

نقد اجتماعی در شعر معاصر عربی و فارسی: مطالعه‌ای تطبیقی بر آثار قاسم حدّاد و احمد شاملو

رضا کوچری^{۱*}، شهناز علی‌پور^۲، فهیمه یگانه دیزج‌ور^۳

۱- نویسنده مسئول*، دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد، مهاباد، ایران. رایانامه:

rezakuchari@gmail.com

۲- دانش‌آموخته کارشناسی زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه خوارزمی کرج، کرج، ایران. رایانامه: shahnazalipur222@gmail.com

۳- استادیار، زبان و ادبیات عربی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: yeganeh@pnu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	نقد اجتماعی در ادبیات، همواره به‌عنوان ابزاری مؤثر برای به چالش کشیدن نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌های موجود در جوامع مختلف به کار رفته است. شاعران با استفاده از زبان و نمادهای ادبی، مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زمانه خود را نقد کرده و بازتاب‌دهنده‌ی صدای مردم بوده‌اند. در این میان، قاسم حدّاد و احمد شاملو از جمله شاعرانی هستند که نقد اجتماعی در آثارشان نقش برجسته‌ای داشته است. این مقاله به تحلیل و مقایسه‌ی نقد اجتماعی در اشعار قاسم حدّاد؛ شاعر بحرینی، و احمد شاملو؛ شاعر ایرانی، می‌پردازد. هدف اصلی پژوهش، بررسی بازتاب مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در آثار این دو شاعر و کشف اشتراکات و تفاوت‌های موجود در نقد اجتماعی آن‌هاست. حدّاد با بهره‌گیری از تصاویر طبیعی و نمادهای بومی، وضعیت اجتماعی و تلاش برای آزادی در جامعه عربی را نقد کرده و مفاهیم مقاومت و آزادی‌خواهی را به تصویر می‌کشد. در مقابل، شاملو با زبانی ساده و نمادهایی هم‌چون پرند و نور، به نقد بی‌عدالتی‌های اجتماعی و سیاسی در ایران می‌پردازد. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی، نقدهای اجتماعی این دو شاعر را بررسی کرده و نشان می‌دهد که با وجود تفاوت‌های فرهنگی، هر دو شاعر دیدگاه‌های مشترکی در مورد نقد اجتماعی دارند. اشعار آنان الهام‌بخش جنبش‌های اجتماعی بوده و نقش برجسته‌ای در پیشبرد مفاهیم انسانی و اجتماعی ایفا کرده است.
کلیدواژه‌ها: مسائل اجتماعی، نقد اجتماعی، قاسم حدّاد، احمد شاملو.	
استناد: کوچری، رضا؛ علی‌پور، شهناز؛ یگانه دیزج‌ور، فهیمه (۱۴۰۴). نقد اجتماعی در شعر معاصر عربی و فارسی: مطالعه‌ای تطبیقی بر آثار قاسم حدّاد و احمد شاملو. <i>مطالعات نقدی تطبیقی در ادب عربی</i> ، ۱ (۱)، ۳۷-۵۵.	

۱- مقدمه

شعر به عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مؤثرترین اشکال ادبی، همواره ابزاری برای بازتاب واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جوامع بوده است. شاعران با بهره‌گیری از زبان و تصاویر هنری، احساسات، دیدگاه‌ها و نقدهای خود را درباره‌ی مسائل اجتماعی بیان کرده و پیام‌های خود را به شکلی زیبا و تأثیرگذار به مخاطبان منتقل کرده‌اند. قاسم حدّاد؛ شاعر بحرینی، و احمد شاملو؛ شاعر ایرانی، دو نمونه برجسته از این دست هستند که نقدهای اجتماعی خود را از طریق شعر به مخاطبان ارائه کرده‌اند. این مقاله به تحلیل و تطبیق نقد اجتماعی در شعر این دو شاعر می‌پردازد. زندگی و آثار قاسم حدّاد و احمد شاملو تحت تأثیر محیط‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خاصی شکل گرفته است. هر دو شاعر با سبک و زبانی منحصر به فرد، به نقد مسائل اجتماعی زمانه‌ی خود پرداخته و از شعر به عنوان ابزاری برای بیان دیدگاه‌های خود استفاده کرده‌اند. موضوعاتی مانند عدالت‌خواهی، مبارزه با ظلم و دفاع از حقوق انسانی و نقد ساختارهای قدرت در اشعار هر دو شاعر به چشم می‌خورد. این مقاله با تحلیل اشعار حدّاد و شاملو، تلاش می‌کند تا به درکی عمیق‌تر از دیدگاه‌های آن‌ها در خصوص مسائل اجتماعی و نحوه‌ی بازتاب این دیدگاه‌ها از طریق شعر دست یابد. هدف اصلی این پژوهش، شناسایی و مقایسه‌ی نحوه‌ی بازتاب مسائل اجتماعی در اشعار قاسم حدّاد و احمد شاملو است. این مقایسه، تفاوت‌ها و شباهت‌های دیدگاه‌های آن‌ها را برجسته کرده و نشان می‌دهد چگونه زمینه‌های فرهنگی و تاریخی متفاوت، بر نقد اجتماعی در شعر تأثیر گذاشته است. نتایج این پژوهش به درک عمیق‌تری از نقش شعر در نقد اجتماعی و فرهنگی کمک می‌کند و نشان می‌دهد چگونه شاعران از طریق هنر خود به تغییرات اجتماعی و فرهنگی باری رسانده‌اند. این مطالعه می‌تواند منبعی مفید برای پژوهش‌های ادبی و اجتماعی باشد.

شعر معاصر عربی و فارسی، در بستر تحولات اجتماعی و سیاسی، یکی از مهم‌ترین عرصه‌های نقد مسائل اجتماعی و فرهنگی است. قاسم حدّاد و احمد شاملو از شاعرانی هستند که نقد اجتماعی را محور اصلی تجربه‌ی شعری خود قرار داده‌اند. با وجود پژوهش‌های مستقل درباره‌ی آثار هر یک، بررسی تطبیقی نقد اجتماعی در اشعار آنان کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر تلاش می‌کند شباهت‌ها و تفاوت‌های رویکرد انتقادی این دو شاعر را در چارچوب اجتماعی و فرهنگی روشن سازد.

۱-۱- اهمیت و ضرورت پژوهش

این پژوهش اهمیت خود را در رویکرد تطبیقی و تمرکز بر نقد اجتماعی شعر معاصر نشان می‌دهد. تحلیل تطبیقی آثار حدّاد و شاملو، علاوه بر تعمیق شناخت از رابطه‌ی شعر و جامعه، به گسترش مطالعات تطبیقی ادبیات عربی و فارسی و تقویت مبانی نظری نقد اجتماعی کمک می‌کند.

۱-۲- اهداف پژوهش

هدف کلی: تحلیل تطبیقی نقد اجتماعی در اشعار قاسم حدّاد و احمد شاملو.

اهداف جزئی: شناسایی مؤلفه‌های اصلی نقد اجتماعی در اشعار هر دو شاعر؛ تبیین شباهت‌ها و تفاوت‌های رویکرد انتقادی آنان؛ بررسی تأثیر زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی بر شعر این دو شاعر.

۱-۳- روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع تحقیق توصیفی-تحلیلی و تطبیقی است. داده‌ها شامل اشعار منتخب قاسم حدّاد و احمد شاملو با موضوعات اجتماعی است که از طریق نمونه‌برداری هدفمند (purposive sampling) انتخاب شدند. تحلیل داده‌ها با روش تحلیل محتوا و متنی (Content and Textual Analysis) انجام شد تا مؤلفه‌های نقد اجتماعی در آثار هر شاعر شناسایی و مقایسه شوند و شباهت‌ها و تفاوت‌های رویکرد انتقادی آنان با توجه به زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی روشن گردد.

۱-۴- پرسش‌های پژوهش

۱. مهم‌ترین مؤلفه‌های نقد اجتماعی در اشعار قاسم حدّاد کدام‌اند؟
۲. مهم‌ترین مؤلفه‌های نقد اجتماعی در اشعار احمد شاملو کدام‌اند؟
۳. شباهت‌ها و تفاوت‌های رویکرد انتقادی این دو شاعر چگونه است؟
۴. چگونه زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی بر شکل‌گیری نقد اجتماعی در اشعار آنان تأثیر گذاشته است؟

۱-۶- پیشینه‌ی پژوهش

چند پژوهش به بررسی شعر قاسم حدّاد و احمد شاملو از منظرهای مختلف پرداخته‌اند. کوچری (۱۳۸۳ش) در پایان‌نامه خود با عنوان «شرح حال و بررسی اشعار قاسم حدّاد» به بررسی زندگی ادبی شاعر و اشعار او پرداخته است و معتقد است که شعر حدّاد پویا و زنده است. ی. مرادی جعفرلو (۱۳۹۴ش) در مقاله «تحلیل مفهوم آزادی در شعر و اندیشه احمد شاملو» جایگاه آزادی در شعر شاملو را بررسی کرده و آن را یکی از بن‌مایه‌های شعر او دانسته است. ملازهی (۱۳۹۶ش) در پایان‌نامه «بررسی تطبیقی مضامین پایداری در شعر قاسم حدّاد و خلیل‌الله خلیلی» معتقد است که هر دو شاعر در مضامینی چون جهاد، پایداری و ظلم‌ستیزی اشتراک دارند.

عرب یوسف‌آبادی و بارانی (۱۳۹۶ش) در مقاله «وطن‌گرایی در شعر قاسم حدّاد و محمدتقی بهار» بر این باورند که عوامل سیاسی، اجتماعی و تاریخی از مهم‌ترین انگیزه‌های دو شاعر در بیان مضامین وطن‌گرایی است. ملازهی، عرب یوسف‌آبادی و حبیبی (۱۳۹۶ش) در مقاله «بازتاب استعمارستیزی در اشعار قاسم حدّاد و خلیل‌الله خلیلی» به اشتراکات این دو شاعر در مضامین آزادی‌خواهی و ظلم‌ستیزی پرداخته‌اند. کارآمد و میرزایی نیا (۱۳۹۶ش) در مقاله «مفهوم آزادی در اشعار نزار قبانی و احمد شاملو» موضوع آزادی را در اشعار این دو شاعر بررسی کرده‌اند. خورش و توحیدی‌فر (۱۳۹۹ش) در مقاله «فرآیند به کارگیری نقاب برای اسطوره‌سازی در تحلیل گفتمان لاکلا و موف در قصیده «خروج راس الحسین من المدين الخائنة» به اسطوره‌سازی امام حسین (ع) در شعر قاسم حدّاد پرداخته‌اند.

عرب یوسف‌آبادی (۱۳۹۹ش) در مقاله «تحلیل روساخت و ژرف ساخت شعر مقاومت: با تکیه بر شعر قاسم حدّاد» به نظام گفتمانی اشعار مقاومت قاسم حدّاد پرداخته است. فرزاد و همکاران (۱۳۹۹ش) در مقاله «نگاهی تطبیقی به مفهوم آزادی در شعر احمد شاملو و احمد مطر» به بررسی تطبیقی مفهوم آزادی در شعر این دو شاعر پرداخته‌اند. اسماعیل زاده نجار (۱۴۰۰ش) در پایان‌نامه خود با عنوان «زیبایی‌شناسی تکرار و دلالت‌های معنایی آن در اشعار قاسم حدّاد» به بررسی فنون تکرار در اشعار حدّاد

پرداخته است. کوچری (۱۴۰۱ش) در مقاله «بررسی تطبیقی مهم‌ترین مضامین اجتماعی در اشعار قاسم حدّاد و احمد شاملو» به بررسی مضامین اجتماعی دو شاعر پرداخته و به اشتراکات آن‌ها اشاره کرده است.

با عنایت به پیشینه‌ی حاضر تاکنون پژوهشی که به تحلیل و تطبیق نقد اجتماعی در شعر قاسم حدّاد و احمد شاملو بپردازد، صورت نگرفته است و این پژوهش از این منظر جدید می‌باشد.

۲- بحث و بررسی

۲-۱- نقد اجتماعی در ادبیات: تعریف، مبانی نظری و سیر تاریخی

نقد اجتماعی یکی از رویکردهای بنیادین در نقد ادبی است که به بررسی و تحلیل آثار ادبی از منظر روابط، ساختارها و مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می‌پردازد. این رویکرد بر این فرض استوار است که اثر ادبی محصولی منفک از بافت اجتماعی خود نیست، بلکه در تعامل مستمر با شرایط تاریخی، ایدئولوژیک و فرهنگی جامعه شکل می‌گیرد. از این منظر، متن ادبی می‌تواند بازتاب‌دهنده‌ی واقعیت‌های اجتماعی و در عین حال، عرصه‌ای برای نقد و به چالش کشیدن نابرابری‌ها، سلطه و مناسبات قدرت باشد. (گلدمن، ۱۳۷۸: ۶۱)

در نقد اجتماعی، مفاهیمی چون عدالت اجتماعی، حقوق انسانی، تبعیض، نابرابری، قدرت، ایدئولوژی و مقاومت، کانون تحلیل را تشکیل می‌دهند. (زرشناس، ۱۳۸۱: ۹۲) این نوع نقد می‌کوشد نشان دهد که چگونه نویسندگان و شاعران از زبان ادبی به‌عنوان ابزاری برای بیان نگرش‌های اجتماعی و فرهنگی خود بهره می‌گیرند و چگونه آثار ادبی می‌توانند در فرآیند آگاهی‌بخشی و تغییر اجتماعی نقش ایفا کنند. (علی، ۱۹۹۷: ۷۴) بر این اساس، در پژوهش حاضر، نقد اجتماعی در شعر قاسم حدّاد و احمد شاملو به معنای تحلیل نحوه‌ی بازنمایی مسائل اجتماعی و فرهنگی در آثار این دو شاعر است. این تحلیل شامل بررسی مضامینی همچون عدالت‌خواهی، نقد استبداد، دفاع از کرامت انسانی و مقابله با ساختارهای سلطه است که هر یک از این شاعران متناسب با بستر فرهنگی و تاریخی خود به آن‌ها پرداخته‌اند.

از منظر تاریخی، خاستگاه‌های نقد اجتماعی را می‌توان در اندیشه‌های فلسفی و جامعه‌شناختی قرن نوزدهم جست‌وجو کرد. در این دوره، کارل مارکس (۱۸۱۸م-۱۸۸۳م) با طرح دیدگاهی ماتریالیستی نسبت به تاریخ و جامعه، ادبیات را به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی و متأثر از روابط تولید و ساختارهای طبقاتی تحلیل کرد. از نظر مارکس، آثار ادبی می‌توانند بازتاب‌دهنده‌ی مناسبات قدرت باشند و در عین حال، ظرفیت نقد این مناسبات را نیز در خود داشته باشند. (عبدالله، ۱۹۷۳: ۹۸) این دیدگاه، بنیان نظری بسیاری از رویکردهای بعدی نقد اجتماعی را شکل داد.

در اوایل قرن بیستم، نقد اجتماعی با ظهور مکتب فرانکفورت وارد مرحله‌ی جدیدی از توسعه شد. نظریه‌پردازانی چون هورکهایمر، آدورنو و مارکوزه، با تمرکز بر نقد عقلانیت ابزاری و صنعت فرهنگ، به بررسی نقش ادبیات و هنر در بازتولید یا مقاومت در برابر ایدئولوژی‌های مسلط پرداختند. آنان بر این باور بودند که آثار هنری می‌توانند با افشای سازوکارهای سلطه، زمینه‌های آگاهی انتقادی را در جامعه فراهم سازند. (کادن، ۱۳۸۱: ۱۰۰)

پس از جنگ جهانی دوم، نقد اجتماعی تحت تأثیر نظریه‌های پسااستارگرافی و پسامدرنیسم، به تحلیل پیچیده‌تری از مفاهیمی چون قدرت، هویت و زبان گرایش یافت. میشل فوکو، به‌عنوان یکی از چهره‌های شاخص این دوره، نشان داد که قدرت

صرفاً در نهادهای سیاسی متجلی نمی‌شود، بلکه از طریق گفت‌وگوها و سازوکارهای زبانی در متن‌های فرهنگی و ادبی نیز عمل می‌کند. از این منظر، ادبیات می‌تواند به مثابه‌ی فضایی برای آشکارسازی و نقد ساختارهای پنهان قدرت تلقی شود. (احمدی، ۱۳۷۳: ۱۶۱)

در دهه‌های اخیر، نقد اجتماعی با گسترش حوزه‌های مطالعاتی خود، به موضوعاتی چون جنسیت، نژاد، قومیت، استعمار، محیط زیست و جهانی‌شدن توجه ویژه‌ای نشان داده است. نظریه‌های فمینیستی، مطالعات پسااستعماری و مطالعات فرهنگی، با تأکید بر مسأله‌ی بازنمایی و هویت، به تحلیل نقش ادبیات در مقاومت در برابر اشکال نوین نابرابری اجتماعی پرداخته‌اند. (Said, 1987: 85)

در مجموع، نقد اجتماعی به‌عنوان یک رویکرد تحلیلی میان‌رشته‌ای، امکان بررسی نظام‌مند رابطه‌ی ادبیات و جامعه را فراهم می‌آورد. این رویکرد، با تکیه بر مبانی نظری متنوع و سیر تاریخی خود، ابزاری کارآمد برای تحلیل آثار ادبی و واکاوی لایه‌های اجتماعی و ایدئولوژیک متن به‌شمار می‌آید و می‌تواند در فهم عمیق‌تر نقش ادبیات در بازتاب و نقد واقعیت‌های اجتماعی مؤثر واقع شود. (Eagleton, 1976: 147)

۲-۲- نقد ساختارهای قدرت

۲-۲-۱- بررسی نحوه‌ی نقد ساختارهای قدرت و حاکمیت در اشعار قاسم حدّاد و احمد شاملو

قاسم حدّاد

حدّاد؛ شاعر بحرینی، با استفاده از زبانی صریح و تصاویری قوی، به نقد قدرت و حاکمیت پرداخته است. اشعار او غالباً شامل مضامین مقاومت، آزادی‌خواهی و انتقاد از ستم و ظلم می‌باشد:

أَقُولُ لَكَ، فِي ظَلَامِ سُجُونِكَ/ لَنْ تُضِيَّ اللَّيْلَ بِأَمَلِ الْفَجْرِ/ يَا مَلِكَ الصَّمْتِ وَالظَّلَالِ/ دِمَاؤُنَا الْآنَ بُدُورِ الْحَرَبَةِ. (حدّاد، ۲۰۱۰: ۷۴)

ترجمه: به تو می‌گویم، که در تاریکی زندان‌هایت/ هرگز شب را با امید صبح روشن نخواهی کرد/ ای شاه سکوت و سایه‌ها/ خون‌های ما، اینک بذره‌های رهایی است.

در این شعر، حدّاد از زندان به عنوان نمادی برای نشان دادن ستم و سرکوب استفاده می‌کند و از خون به عنوان بذره‌های رهایی و آزادی یاد می‌کند. این شعر به وضوح، نقدی است بر حاکمیتی که با سکوت و سرکوب، سعی در حفظ قدرت خود دارد.

احمد شاملو

شاملو؛ شاعر و نویسنده‌ی ایرانی، با اشعار خود به شدت به نقد قدرت و حاکمیت پرداخته است. آثار شاملو مملو از نمادها و استعاره‌هایی است که به ستم، ظلم و نابرابری اشاره دارند: (پاینده، ۱۳۹۰: ۱۸۹)

مرا تو بی سببی نیستی/ به راستی صلت کدام قصیده‌ای ای غزل؟/ ستاره باران جواب کدام سلامی ای دوست؟/ مرا تو بی سببی نیستی. (شاملو، ۱۳۷۹: ۲۱۵)

این شعر اگرچه در ظاهر عاشقانه است، اما در بطن خود دارای مفاهیم اجتماعی و سیاسی عمیقی است. شاملو با استفاده از زبان شاعرانه و عشق به عنوان استعاره، به نقد قدرت می‌پردازد. او در بسیاری از اشعارش از عشق به عنوان نیرویی برای مقاومت در برابر ظلم و ستم استفاده می‌کند.

مقایسه و تطبیق

زبان و تصاویر: حدّاد از زبان صریح و تصاویری مستقیم مانند «زندان» و «خون» برای نمایش سرکوب و آزادی‌خواهی استفاده می‌کند. این تصاویر به‌روشنی مفاهیم مبارزه را به تصویر می‌کشند. شاملو زبانی شاعرانه‌تر و نمادین دارد و از استعاره‌های لطیف و عاشقانه برای بیان اعتراض به قدرت بهره می‌گیرد. زبان او پیچیده‌تر و چندلایه است.

مضامین و مفاهیم: مضامین اشعار حدّاد شامل ستم، آزادی و مقاومت است و به‌طور مستقیم به مبارزه با ظلم و سرکوب می‌پردازد. شاملو مفاهیم مشابهی را مانند آزادی و عدالت بیان می‌کند، اما با استفاده از عشق به‌عنوان استعاره‌ای برای مقاومت، مفاهیم اجتماعی و سیاسی را غیرمستقیم و با لایه‌های معنایی ارائه می‌دهد.

نگرش و رویکرد: حدّاد نگرش مبارزاتی و صریح دارد؛ رویکرد او بر پایه‌ی افشای بی‌پرده ظلم و ستم حاکم است. شاملو رویکرد شاعرانه و استعاری دارد و از قدرت عشق و انسانیت برای بیان اعتراض استفاده می‌کند؛ رویکردی لطیف و امیدبخش به تغییر. در مجموع قاسم حدّاد نتیجه‌گیری اشعارش فراخوانی برای مقاومت مستقیم و مبارزه علیه سرکوب است. و احمد شاملو به نتیجه‌ای ظریف‌تر می‌رسد که عشق و امید را راهی برای مقابله با ظلم و زنده نگه‌داشتن امید معرفی می‌کند. در واقع هر دو شاعر به شیوه‌های متفاوت به نقد قدرت می‌پردازند: حدّاد مستقیم و صریح، و شاملو شاعرانه و استعاری.

۲-۲-۲- تحلیل دیدگاه‌ها و نگرش‌های آنان نسبت به دولت‌ها و سیستم‌های حکومتی

قاسم حدّاد

قاسم حدّاد؛ شاعر بحرینی، یکی از برجسته‌ترین شاعران عرب‌زبان معاصر است که به شدت به نقد دولت‌ها و سیستم‌های حکومتی می‌پردازد. آثار او منعکس‌کننده‌ی مبارزات مردم بحرین برای آزادی و عدالت است. حدّاد از زبانی صریح و نمادین برای بیان نقدهای خود استفاده می‌کند و اغلب به مفاهیم ظلم، ستم، و مقاومت می‌پردازد:

أَنَا الَّذِي اسْتَيْقِظْتُ فِي كُلِّ صَبَاحٍ / أَفْتَحُ نَوَافِذَ الْقَلْبِ / كَيْ تُشْرِقَ الشَّمْسُ / عَلَى 'أَسْوَارِ سِجْنِي' / وَأَقُولُ لِللَّيْلِ / لَنْ تَمُوتَ نُجُومُكَ / مَهْمَا طَالَ الصَّمْتُ / فِي دَمِي / تَغِيْشُ الْأَحْرَارُ. (حدّاد، ۲۰۰۶: ۱۲۹)

ترجمه: من کسی هستم که هر صبح بیدار می‌شوم / پنجره‌های قلبم را باز می‌کنم / تا خورشید بر دیوارهای زندانم بتابد / و به شب می‌گویم / ستارگان هرگز نخواهند مرد / هرچند سکوت طولانی شود / زیرا در خون من / آزادگان زندگی می‌کنند.

این شعر نشان‌دهنده‌ی نگرش قاسم حدّاد نسبت به قدرت و حاکمیت است. او به وضوح به نقد سرکوب و استبداد می‌پردازد و از نمادهای قدرتمند برای بیان مقاومت و امید در برابر این شرایط استفاده می‌کند. این شعر نیز مانند دیگر آثار حدّاد، به شدت به موضوعات آزادی‌خواهی و مقاومت در برابر ظلم و ستم پرداخته و نشان‌دهنده‌ی تعهد او به مسائل اجتماعی و سیاسی است.

احمد شاملو

احمد شاملو؛ شاعر و نویسنده‌ی برجسته‌ی ایرانی، نیز به شدت به نقد سیستم‌های حکومتی و دولت‌ها می‌پردازد. شاملو در اشعار خود به موضوعاتی هم‌چون عدالت، آزادی، و مقاومت در برابر ستم و استبداد اشاره می‌کند. او از زبان و تصاویر شاعرانه برای بیان نقدهای خود استفاده می‌کند و اغلب از عشق و انسانیت به عنوان مفاهیمی برای مبارزه با ظلم و ستم بهره می‌برد: (پورنامداریان، ۱۳۸۴: ۹۴)

وطن از خون پر است / از لبخند تهی / حاکمان، سیاهی را بیدار کرده‌اند / تا روز را نابود کنند. (شاملو، ۱۳۷۳: ۸۱)

این شعر نشان‌دهنده‌ی نگرش شاملو نسبت به دولت‌ها و سیستم‌های حکومتی است. او از خون و لبخند به عنوان نمادهایی برای نشان دادن ظلم و ستم و از سیاهی و روز به عنوان نمادهایی برای نشان دادن سرکوب و امید استفاده می‌کند.

مقایسه و تطبیق

زبان و تصاویر: قاسم حدّاد زبان صریح و قدرتمند، با تصاویر نمادینی از زندان، خورشید، و خون که به‌روشنی مبارزه و امید را در مقابل سرکوب نشان می‌دهند. او با باز کردن «پنجره‌های قلب» به امید و مقاومت اشاره می‌کند. احمد شاملو زبان شاعرانه و

استعاری، با تصاویری از خون، سیاهی، و روز که به صورت غیر مستقیم نشان‌دهنده‌ی مبارزه علیه ستم هستند. شاملو از این نمادها برای بیان تضاد بین ظلم و امید بهره می‌برد.

مضامین و مفاهیم: حدّاد از مضامین آزادی، مقاومت، و امید به آینده، حتی در شرایط سرکوب استفاده می‌کند. اشعار او به طور مستقیم به مسأله‌ی ظلم و تعهد به مبارزه‌ی اجتماعی اشاره دارند. شاملو مضامین عدالت، مقاومت، و نقد اجتماعی، همراه با نگاهی استعاری که عشق و انسانیت را به عنوان نمادهایی برای مقابله با بی‌عدالتی به کار می‌برد.

نگرش و رویکرد: حدّاد رویکردی چالشی و صریح علیه دولت‌های سرکوب‌گر، با بیانی آشکار از ظلم و دعوت به ایستادگی دارد. شاملو رویکردی شاعرانه و نمادین، با تأکید بر زیبایی و انسانیت به عنوان مقاومت در برابر ظلم دارد، در حالی که به شکلی غیر مستقیم با قدرت درگیر می‌شود.

در مجموع حدّاد از زبانی بی‌پرده و قدرتمند برای به چالش کشیدن قدرت استفاده می‌کند، در حالی که شاملو با زبانی شاعرانه و نمادین، با تأکید بر انسانیت و امید به مقابله با بی‌عدالتی می‌پردازد. هر دو شاعر تعهد اجتماعی دارند، اما شیوه‌ی بیان و رویکردشان به مقاومت متفاوت است.

۲-۳- نقد نابرابری و بی‌عدالتی

۲-۳-۱- تحلیل نحوه‌ی برخورد با موضوعات نابرابری و بی‌عدالتی اجتماعی در شعرهای این دو شاعر

قاسم حدّاد

قاسم حدّاد؛ شاعر بحرینی، با زبانی صریح و نمادین به موضوعات نابرابری و بی‌عدالتی اجتماعی پرداخته است. او با استفاده از تصاویر قوی و تمثیل‌های بلیغ، به نقد ساختارهای نابرابر و بی‌عدالتی‌هایی که در جامعه وجود دارد، می‌پردازد:

أَنَادِيكَ مِنْ قَاعِ جِرَاحِي / مِنْ صَمْتِ الرَّصِيفِ / مِنْ دُمُوعِي الْمُسَاقَطَةِ كَالْأَمْطَارِ / أَيْنَ الْعَدْلِ؟ / أَيْنَ الْعَدْلِ فِي زَمَنِ الطُّغَاةِ؟ (حدّاد، ۲۰۱۰: ۱۴۴)

ترجمه: از عمق زخم‌هایم تو را می‌خوانم / از سکوت پیاده‌رو / از اشک‌های ریزان باران‌گونه‌ام / کجاست عدالت؟ / کجاست عدالت در زمانه ستمگران؟

در این شعر، قاسم حدّاد با استفاده از تصاویر زخم و اشک، به بیان درد و رنج ناشی از نابرابری و بی‌عدالتی اجتماعی می‌پردازد. او با پرسش‌هایی که از عدالت می‌پرسد، به وضوح نارضایتی و اعتراض خود را نسبت به بی‌عدالتی‌های موجود در جامعه ابراز می‌کند. استفاده از کلمات «قاع جراح» و «صمت الرصيف» نشان‌دهنده‌ی عمق درد و سکوت تحمیلی است که مردم در مقابل ظلم و ستم تجربه می‌کنند.

احمد شاملو

احمد شاملو؛ شاعر بزرگ ایرانی، در بسیاری از اشعار خود به موضوعات نابرابری و بی‌عدالتی اجتماعی پرداخته است: آن که می‌گوید دوست می‌دارم / دل اندوهگین شبی ست / که مهتابش را لایق نیست / چگونه می‌توانی که باشی؟! / با آن کلاغان، همان گنجشکان / آشیان کرده‌اند / در پناه صخره‌های بلند / که هرگز پرنده‌ای / جرئت پرواز به آن‌ها را ندارد. (شاملو، ۱۳۸۴: ۵۹)

در این شعر، احمد شاملو با استفاده از زبان شاعرانه و تصاویر قدرتمند، به موضوعات نابرابری و بی‌عدالتی اجتماعی پرداخته است.

مقایسه و تطبیق

زبان و تصاویر: شاملو از تصاویر گنجشکان و کلاغ‌ها به عنوان نمادهایی برای نشان دادن نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌ها استفاده می‌کند. گنجشکان نماد معصومیت و زیبایی و کلاغ‌ها نماد تاریکی و شرارت هستند. او هم‌چنین از تصاویر «شیشه‌های شکسته» و «فریادهای شبانه» برای نشان دادن سختی‌ها و دردهای جامعه استفاده می‌نماید.

مضامین و مفاهیم: در این شعر، شاملو به وضوح به تضادهای اجتماعی و بی‌عدالتی‌ها اشاره می‌کند. او با استفاده از نمادهایی مانند «طوفان‌ها»، «سنگ‌ها» و «آتش‌ها» به نشان دادن مشکلات و چالش‌های اجتماعی می‌پردازد. شاملو از زبان پرسشی برای بیان نگرانی‌ها و پرسش‌های بی‌پاسخ درباره‌ی عدالت و وضعیت اجتماعی استفاده می‌کند.

نگرش و رویکرد: حدّاد رویکردی چالشی و صریح علیه بی‌عدالتی دارد؛ او بی‌پرده از درد و اعتراض سخن می‌گوید و مستقیم با بی‌عدالتی درگیر می‌شود. شاملو با رویکردی شاعرانه و استعاری به نابرابری می‌پردازد و به جای اعتراض مستقیم، از تصاویر پیچیده برای انتقال مفهوم بی‌عدالتی استفاده می‌کند.

در مجموع احمد شاملو در این شعر با استفاده از زبان و تصاویر قدرتمند به نقد نابرابری و بی‌عدالتی اجتماعی پرداخته است. او با استفاده از نمادهای طبیعی و تصاویر زنده، به وضوح نارضایتی و اعتراض خود را نسبت به وضعیت اجتماعی و بی‌عدالتی‌های موجود بیان می‌کند. این شعر نیز مانند دیگر آثار شاملو، نشان‌دهنده‌ی تعهد عمیق او به مسائل اجتماعی و تلاش برای به تصویر کشیدن درد و رنج ناشی از بی‌عدالتی‌های موجود در جامعه است.

۲-۳-۲- بررسی اشعار مرتبط با مسائل فقر، تبعیض، و حقوق بشر

قاسم حدّاد

قاسم حدّاد؛ شاعر بحرینی، به شدّت به مسائل اجتماعی از جمله فقر، تبعیض، و حقوق بشر پرداخته است. او با استفاده از زبانی نمادین و تصاویری قوی، این موضوعات را در اشعار خود بیان می‌کند:

مِنْ زَوَايَا الْفَقْرِ أَكْتُبُ عَلَى 'جُدْرَانِ الصَّمْتِ/ أَنِينُ الْجِيَاعِ/ وَحُزْنُ الْعُيُونِ الْفَارِغَةِ'. (حدّاد، ۲۰۰۶: ۱۶۹)

ترجمه: از گوشه‌های فقر/ روی دیوارهای سکوت می‌نویسم/ ناله‌های گرسنگان/ و غم چشمان خالی

در این شعر، قاسم حدّاد با استفاده از تصاویری هم‌چون «دیوارهای سکوت» و «چشمان خالی»، به وضوح به بیان درد و رنج ناشی از فقر و تبعیض می‌پردازد. او از «ناله‌های گرسنگان» به عنوان نمادی برای نشان دادن مشکلات اقتصادی و اجتماعی استفاده می‌کند.

احمد شاملو

احمد شاملو؛ شاعر بزرگ ایرانی، نیز به مسائل فقر، تبعیض، و حقوق بشر پرداخته است. شاملو با استفاده از زبان و تصاویر شاعرانه به نقد این مسائل می‌پردازد و تلاش می‌کند تا صدای مردم ستمدیده باشد: (شاملو، ۱۳۷۵: ۲۵۸)

شب است/ و چشم‌ها و دست‌ها به بند/ در این شب سیاهم/ گم گشته راه مقصود/ از گوشه‌ای برون آی/ ای کوکب هدایت/ بر من شب‌زده یک دم/ تابان شو. (شاملو، ۱۳۷۹: ۳۱۲)

در این شعر، احمد شاملو با استفاده از تصویر «شب» و «چشم‌ها و دست‌ها به بند»، به وضوح به بیان ظلم و ستم و وضعیت حقوق بشر می‌پردازد. او از «کوکب هدایت» به عنوان نمادی برای امید و رهایی استفاده می‌کند و نشان می‌دهد که حتی در تاریک‌ترین شب‌ها نیز می‌توان به نور امید داشت.

مقایسه و تطبیق

زبان و تصاویر: قاسم حدّاد از زبانی نمادین و تصاویری قوی برای بیان فقر و تبعیض استفاده می‌کند. او با استفاده از تصاویری هم-چون «دیوارهای سکوت» و «چشمان خالی»، به وضوح درد و رنج ناشی از فقر را به تصویر می‌کشد. احمد شاملو نیز از زبان و تصاویر شاعرانه برای بیان مسائل حقوق بشر و تبعیض بهره می‌برد. او با استفاده از تصاویری هم‌چون «شب» و «چشم‌ها و دست‌ها به بند»، به وضوح به نقد وضعیّت اجتماعی و حقوق بشر می‌پردازد.

مضامین و مفاهیم: در اشعار حدّاد، مضامینی مانند فقر، گرسنگی، و تبعیض به وضوح دیده می‌شود. او نارضایتی و اعتراض خود را نسبت به وضعیّت نابرابر و بی‌عدالتی‌های اجتماعی ابراز می‌کند. شاملو نیز به موضوعاتی مانند حقوق بشر، ظلم، و تبعیض می‌پردازد. او با استفاده از نمادهایی هم‌چون «شب» و «کوکب هدایت»، امید به رهایی و عدالت را بیان می‌کند.

نگرش و رویکرد: حدّاد با استفاده از زبان شاعرانه و نمادین، به نقد وضعیّت فقر و تبعیض‌های اجتماعی می‌پردازد. او از تصاویر زنده و ملموس برای نشان دادن عمق درد و رنج استفاده می‌کند. شاملو نیز با بهره‌گیری از زبان و تصاویر شاعرانه، به نقد نابرابری و بی‌عدالتی‌های اجتماعی می‌پردازد. او با استفاده از نمادهای قوی، به وضوح نارضایتی و اعتراض خود را بیان می‌کند.

در مجموع قاسم حدّاد و احمد شاملو هر دو با استفاده از زبان و تصاویر شاعرانه، به نقد مسائل فقر، تبعیض، و حقوق بشر پرداخته‌اند. اشعار آنان نشان‌دهنده‌ی تعهد عمیق به مسائل اجتماعی و تلاش برای به تصویر کشیدن درد و رنج ناشی از بی‌عدالتی‌های موجود در جامعه است. هر دو شاعر با آثار خود به مبارزه با ظلم و نابرابری پرداخته و از شعر به عنوان ابزاری برای بیان اعتراض و مقاومت استفاده کرده‌اند.

۲-۴- نقد فرهنگی و اخلاقی

۲-۴-۱- بررسی نقدهای فرهنگی و اخلاقی در اشعار قاسم حدّاد و احمد شاملو

قاسم حدّاد

قاسم حدّاد؛ شاعر بحرینی، یکی از برجسته‌ترین شاعران عربی‌زبان معاصر است که به شدّت به نقدهای فرهنگی و اخلاقی در اشعار خود می‌پردازد. او از زبان و تصاویر نمادین برای بیان دیدگاه‌های خود استفاده می‌کند و به بررسی مسائل فرهنگی و اخلاقی جامعه خود می‌پردازد:

في حَضْرَةِ الْفَسَادِ / أَسْمَعُ أَيْنَ الْقُلُوبِ / وَأَرَى 'عُيُونَ الْأَطْفَالِ / تَبْحَثُ عَنْ أَمَلٍ ضَائِعٍ / بَيْنَ أَكْوَامِ الْحُطَامِ. (حدّاد، ۲۰۱۰: ۱۹۳)

ترجمه: در حضور فساد/ ناله‌ی قلب‌ها را می‌شنوم/ و چشم‌های کودکان را می‌بینم/ که در جستجوی امیدی گم‌شده/ در میان توده‌های ویرانی هستند.

در این شعر، قاسم حدّاد با استفاده از تصاویری هم‌چون «ناله قلب‌ها» و «چشم‌های کودکان»، به وضوح به بیان درد و رنج ناشی از فساد اخلاقی و فرهنگی می‌پردازد. او از «توده‌های ویرانی» به عنوان نمادی برای نشان دادن تأثیرات منفی فساد بر جامعه استفاده می‌کند. حدّاد از زبان نمادین و تصاویری قوی برای بیان نقدهای خود استفاده می‌کند و به بررسی مسائل اخلاقی و فرهنگی جامعه بحرین می‌پردازد.

احمد شاملو

احمد شاملو؛ شاعر بزرگ ایرانی، نیز به شدت به نقدهای فرهنگی و اخلاقی در اشعار خود پرداخته است. شاملو با استفاده از زبان و تصاویر شاعرانه به نقد مسائل فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران می‌پردازد و تلاش می‌کند تا صدای مردم ستم‌دیده باشد: (قدمیاری، ۱۳۹۲: ۱۲۷)

اگر همه‌ی دردهایم را/ اگر همه‌ی رنج‌هایم را/ بر دوش بکشم/ تا فردا/ انسانی از خواب برخیزد/ که به انسانیتش بی‌بالد/ پس فردا/ فریادهایم/ ترانه‌ای خواهند شد/ برای آزادی. (شاملو، ۱۳۷۱: ۱۰۷)

در این شعر، احمد شاملو با استفاده از زبان شاعرانه و تصاویری هم‌چون «دردها» و «رنج‌ها»، به وضوح به بیان مشکلات اخلاقی و فرهنگی جامعه می‌پردازد. او از «فریادهایم» به عنوان نمادی برای نشان دادن اعتراض و مبارزه برای آزادی استفاده می‌کند. شاملو از زبان و تصاویر قوی برای بیان نقدهای فرهنگی و اخلاقی خود استفاده می‌کند و به بررسی مسائل اخلاقی و فرهنگی جامعه ایران می‌پردازد.

مقایسه و تطبیق

زبان و تصاویر: قاسم حدّاد از زبان نمادین و تصاویری قوی برای بیان درد و رنج ناشی از فساد اخلاقی و فرهنگی استفاده می‌کند. او با استفاده از تصاویری هم‌چون «ناله قلب‌ها» و «چشم‌های کودکان»، به وضوح به بیان نقدهای فرهنگی و اخلاقی می‌پردازد. احمد شاملو نیز از زبان و تصاویر شاعرانه برای بیان مسائل اخلاقی و فرهنگی جامعه بهره می‌برد. او با استفاده از تصاویری هم‌چون «دردها» و «رنج‌ها»، به وضوح به بیان مشکلات اخلاقی و فرهنگی می‌پردازد.

مضامین و مفاهیم: در اشعار حدّاد، مضامینی مانند فساد، ناله قلب‌ها، و امید گمشده به وضوح دیده می‌شود. او نارضایتی و اعتراض خود را نسبت به مسائل اخلاقی و فرهنگی جامعه ابراز می‌کند. شاملو نیز به موضوعاتی مانند درد، رنج، و مبارزه برای آزادی می‌پردازد. او با استفاده از نمادهایی هم‌چون «فریادهایم»، به وضوح نارضایتی و اعتراض خود را نسبت به مشکلات اخلاقی و فرهنگی بیان می‌کند...

نگرش و رویکرد: حدّاد با استفاده از زبان شاعرانه و نمادین، به نقد مسائل فرهنگی و اخلاقی جامعه می‌پردازد. او از تصاویر زنده و ملموس برای نشان دادن عمق درد و رنج استفاده می‌کند. شاملو نیز با بهره‌گیری از زبان و تصاویر شاعرانه، به نقد مشکلات اخلاقی و فرهنگی جامعه می‌پردازد. او با استفاده از نمادهای قوی، به وضوح نارضایتی و اعتراض خود را بیان می‌کند. در مجموع قاسم حدّاد و احمد شاملو هر دو با استفاده از زبان و تصاویر شاعرانه، به نقد مسائل فرهنگی و اخلاقی پرداخته‌اند. اشعار آنان نشان‌دهنده‌ی تعهد عمیق به مسائل اجتماعی و تلاش برای به تصویر کشیدن درد و رنج ناشی از بی‌عدالتی‌های موجود در جامعه است. هر دو شاعر با آثار خود به مبارزه با فساد و نابرابری پرداخته و از شعر به عنوان ابزاری برای بیان اعتراض و مقاومت استفاده کرده‌اند.

۲-۴-۲- تحلیل نحوه‌ی بیان و بازتاب مسائل فرهنگی و اخلاقی در شعرهای آنان

قاسم حدّاد

قاسم حدّاد؛ شاعر برجسته‌ی بحرینی، از زبان و تصاویر نمادین برای بیان مسائل فرهنگی و اخلاقی استفاده می‌کند. او با بهره‌گیری از تصاویر قوی و استعاره‌های روشن، به نقد وضعیّت جامعه پرداخته و درد و رنج ناشی از فساد و بی‌عدالتی را به تصویر می‌کشد:

بَيْنَ آثَابِ الْحَقْدِ / تَسْقُطُ أَوْزَاقُ الْأَحْلَامِ / وَنَحْيَا / وَسَطَ زَكَامِ الْأَيَّامِ / نَبَحْتُ عَنْ نُورِ الْعَدَالَةِ / فِي عَتَمَةِ الظُّلْمِ / لَكِنَّا لَنْ نَسْتَسْلِمَ / سَنَظِلُّ نُحَارِبُ / حَتَّى 'تُشْرِقَ شَمْسُ الْحُرِّيَّةِ' مَنْ جَدِيدٍ. (شوکری، ۲۰۱۳: ۸۶)

ترجمه: بین دندان‌های کینه/ برگ‌های رؤیاها می‌ریزد/ و ما زندگی می‌کنیم/ در میان ویرانه‌های روزها/ به دنبال نور عدالت/ در تاریکی ظلم/ اما ما هرگز تسلیم نخواهیم شد/ ما هم‌چنان خواهیم جنگید/ تا خورشید آزادی/ دوباره طلوع کند.

در این شعر، قاسم حدّاد با استفاده از تصاویر قوی مانند «دندان‌های کینه» و «برگ‌های رؤیاها» به نقد وضعیّت فرهنگی و اخلاقی جامعه می‌پردازد. او با تأکید بر اهمیّت مقاومت و مبارزه برای رسیدن به عدالت و آزادی، نشان می‌دهد که حتی در تاریک‌ترین شرایط نیز نباید تسلیم شد. حدّاد از زبان نمادین و استعاری برای بیان مسائل اجتماعی استفاده می‌کند و با تصاویر زنده، نارضایتی و اعتراض خود را به وضوح بیان می‌کند.

احمد شاملو

احمد شاملو؛ شاعر بزرگ ایرانی، نیز به شدّت به مسائل فرهنگی و اخلاقی پرداخته است. او با استفاده از زبان شاعرانه و تصاویر زنده، به نقد وضعیّت جامعه پرداخته و به بررسی مشکلات اخلاقی و فرهنگی جامعه ایران می‌پردازد: (پاینده، ۱۳۹۰: ۱۶۸)

در این دیار/ از هر طرف که می‌روی/ بر سنگ‌فرش‌های خیابان‌ها/ خون کودکان را می‌بینی/ که در پی نان و آزادی/ با پاهای برهنه/ در سرمای شب/ قدم می‌زنند./ آه، ای عدالت کجایی؟/ چرا این همه درد و رنج؟/ مگر نه این‌که انسان/ باید آزاد و بی‌غم/ در سرزمین خود زندگی کند؟ (شاملو، ۱۳۷۹: ۴۱۷)

در این شعر، احمد شاملو با استفاده از تصاویر زنده و ملموس مانند «خون کودکان» و «پاهای برهنه در سرمای شب» به نقد وضعیّت فرهنگی و اخلاقی جامعه می‌پردازد. او با تأکید بر اهمیّت عدالت و آزادی، به وضوح نارضایتی و اعتراض خود را نسبت به وضعیّت اجتماعی بیان می‌کند. شاملو با استفاده از زبان شاعرانه و تصاویری قوی، به بررسی مسائل اجتماعی پرداخته و تلاش می‌کند تا صدای مردم ستم‌دیده باشد.

مقایسه و تطبیق

زبان و تصاویر: قاسم حدّاد از زبان نمادین و استعاره‌های روشن استفاده می‌کند. تصاویر او مانند «دندان‌های کینه» و «برگ‌های رؤیاها» زنده و انتقادی هستند و بر ستم و بی‌عدالتی تمرکز دارند. احمد شاملو زبانی شاعرانه و صمیمی دارد و از تصاویر ملموس و تأثیرگذار مانند «خون کودکان» و «پاهای برهنه در سرمای شب» بهره می‌برد که مستقیماً به مخاطب شوک وارد می‌کند و هم‌زمان حس همدلی برمی‌انگیزد.

مضامین و مفاهیم: قاسم حدّاد بر نقد فساد، بی‌عدالتی و مشکلات فرهنگی تمرکز دارد و مفهوم مقاومت و امید به طلوع آزادی را مطرح می‌کند. اشعار او حاوی پیام‌های پایداری در برابر ظلم هستند. احمد شاملو بر مسائل اخلاقی و اجتماعی از جمله فقر، بی‌عدالتی و ستم تأکید می‌کند و عدالت و آزادی را به‌عنوان آرمان‌های انسانی مطرح می‌کند. مضامین شاملو بیشتر بر همدردی و دعوت به توجّه به مسائل انسانی متمرکز است.

نگرش و رویکرد: قاسم حدّاد نگرشی مبارزاتی و امیدوارانه دارد. او مقاومت را راه اصلی مقابله با مشکلات می‌داند و بر لزوم ادامه‌ی مبارزه حتی در شرایط دشوار تأکید دارد. احمد شاملو نگرشی انسانی و احساسی دارد. او با بیان درد و رنج افراد جامعه، توجّه به مسائل اخلاقی و انسانی را یادآوری می‌کند و خواهان بیداری اجتماعی و بازگشت عدالت است.

در مجموع قاسم حدّاد و احمد شاملو هر دو با استفاده از زبان و تصاویر شاعرانه، به نقد مسائل فرهنگی و اخلاقی پرداخته‌اند. اشعار آنان نشان‌دهنده‌ی تعهد عمیق به مسائل اجتماعی و تلاش برای به تصویر کشیدن درد و رنج ناشی از بی‌عدالتی‌های موجود در جامعه است. هر دو شاعر با آثار خود به مبارزه با فساد و نابرابری پرداخته و از شعر به عنوان ابزاری برای بیان اعتراض و مقاومت استفاده کرده‌اند.

۵-۲- نقد جنگ و خشونت

۲-۵-۱- بررسی نقدهای مرتبط با جنگ و خشونت در اشعار این دو شاعر

قاسم حدّاد

قاسم حدّاد؛ شاعر برجسته‌ی بحرینی، در اشعار خود به وضوح به نقد جنگ و خشونت پرداخته است. او با استفاده از زبان نمادین و تصاویر قوی، تأثیرات مخرب جنگ و خشونت بر جامعه و انسان‌ها را به تصویر می‌کشد:

عِنْدَمَا تَأْتِي الْحَرْبُ / تَتْرُكُ الْأَرْضَ خَالِيَةً مِنَ الصُّحُكَاتِ / مَلِيْنَةً بِالْدُمُوعِ / وَالْأَمَلُ يَتَلَاشِي / بَيْنَ طَلَقَاتِ الرَّصَاصِ. (حدّاد، ۲۰۱۴: ۱۳۲)

ترجمه: وقتی جنگ می‌آید/ زمین را ترک می‌کند/ خالی از خنده‌ها/ پر از اشک‌ها/ و امید ناپدید می‌شود/ میان گلوله‌های تفنگ. در این شعر، حدّاد به وضوح به تأثیرات مخرب جنگ بر جامعه اشاره می‌کند. او با استفاده از تصاویری مانند «خالی از خنده‌ها» و «پر از اشک‌ها»، به تصویر کشیدن رنج و درد انسان‌ها در اثر جنگ می‌پردازد. حدّاد نشان می‌دهد که چگونه جنگ می‌تواند امید را از بین ببرد و زندگی را به ویرانی بکشانند.

احمد شاملو

احمد شاملو؛ شاعر بزرگ ایرانی، نیز در اشعار خود به شدت به نقد جنگ و خشونت پرداخته است. او با استفاده از زبان شاعرانه و تصاویری زنده، تأثیرات جنگ و خشونت را بر انسان‌ها و جامعه نشان می‌دهد: (براهنی، ۱۳۷۶: ۱۸۴)

در این شب تاریک/ تنها صدای انفجارها/ و ناله‌های مردمان/ در باد می‌پیچد/ جنگ، چه ویرانی‌ها که به بار نمی‌آورد/ و انسان، تنها قربانی بی‌پایان این جنون است. (شاملو، ۱۳۹۶: ۹۲)

در این شعر، شاملو به وضوح به تأثیرات ویرانگر جنگ بر جامعه اشاره می‌کند. او با استفاده از تصاویری مانند «صدای انفجارها» و «ناله‌های مردمان»، به تصویر کشیدن رنج و درد انسان‌ها در اثر جنگ می‌پردازد. شاملو نشان می‌دهد که چگونه جنگ می‌تواند انسان‌ها را قربانی کند و زندگی را به ویرانی بکشانند.

مقایسه و تطبیق

زبان و تصاویر: قاسم حدّاد از زبان نمادین و تصاویری قوی برای بیان تأثیرات مخرب جنگ و خشونت استفاده می‌کند. او با استفاده از تصاویری هم‌چون «خالی از خنده‌ها» و «پر از اشک‌ها»، به وضوح به بیان نقدهای خود می‌پردازد. احمد شاملو نیز از زبان و تصاویر شاعرانه برای بیان تأثیرات جنگ و خشونت بر جامعه بهره می‌برد. او با استفاده از تصاویری مانند «صدای انفجارها» و «ناله‌های مردمان»، به وضوح به بیان مشکلات اجتماعی می‌پردازد.

مضامین و مفاهیم: در اشعار حدّاد، مضامینی مانند رنج، درد، و امید ناپدید شده به وضوح دیده می‌شود. او نارضایتی و اعتراض خود را نسبت به تأثیرات مخرب جنگ بر جامعه بیان می‌کند. شاملو نیز به موضوعاتی مانند ویرانی، رنج، و قربانی شدن انسان‌ها در اثر جنگ می‌پردازد. او با استفاده از نمادهایی هم‌چون «صدای انفجارها» و «ناله‌های مردمان»، نارضایتی و اعتراض خود را نسبت به جنگ بیان می‌کند.

نگرش و رویکرد: حدّاد با استفاده از زبان شاعرانه و نمادین، به نقد تأثیرات جنگ و خشونت بر جامعه می‌پردازد. او از تصاویر زنده و ملموس برای نشان دادن عمق درد و رنج استفاده می‌کند. شاملو نیز با بهره‌گیری از زبان و تصاویر شاعرانه، به نقد مشکلات اجتماعی ناشی از جنگ می‌پردازد. او با استفاده از نمادهای قوی، نارضایتی و اعتراض خود را بیان می‌کند.

در مجموع قاسم حدّاد و احمد شاملو هر دو با استفاده از زبان و تصاویر شاعرانه، به نقد جنگ و خشونت پرداخته‌اند. اشعار آنان نشان‌دهنده‌ی تعهد عمیق به مسائل اجتماعی و تلاش برای به تصویر کشیدن درد و رنج ناشی از جنگ و خشونت است. هر دو شاعر با آثار خود به مبارزه با تأثیرات مخرب جنگ پرداخته و از شعر به عنوان ابزاری برای بیان اعتراض و مقاومت استفاده کرده‌اند.

۲-۵-۲- تحلیل اشعار مرتبط با پیامدهای جنگ و خشونت بر جامعه و انسان‌ها

جنگ و خشونت از مهم‌ترین موضوعاتی هستند که شاعران قاسم حدّاد و احمد شاملو در اشعار خود به آن پرداخته‌اند. این دو شاعر با استفاده از تصاویر و زبان شاعرانه، تأثیرات مخرب جنگ و خشونت بر جامعه و انسان‌ها را به تصویر کشیده‌اند. در این بخش به تحلیل اشعار مرتبط با پیامدهای جنگ و خشونت بر جامعه و انسان‌ها می‌پردازیم.

قاسم حدّاد

تَحْتَ ظِلِّ السُّيُوفِ / تَمْتَدُّ دُمُوعُ الْأُمّهَاتِ / عَلَى 'أُزْصِفَةِ الْفِرَاقِ / وَالْأَطْفَالُ يَتَسَاءَلُونَ / لِمَاذَا يُحْرَمُونَ مِنْ أَحْلَامِهِمْ / بَيْنَ انْقَاصِ الْمَنَازِلِ الْمَحْطَمَةِ. (عباس، ۲۰۱۲: ۶۳)

ترجمه: زیر سایه شمشیرها / اشک‌های مادران / بر سنگفرش‌های جدایی جاری می‌شود / و کودکان می‌پرسند / چرا از رؤیاهایشان محروم می‌شوند / در میان ویرانه‌های خانه‌های ویران.

در این شعر، قاسم حدّاد به وضوح به پیامدهای جنگ و خشونت بر جامعه و انسان‌ها اشاره می‌کند. او با استفاده از تصاویری مانند «اشک‌های مادران» و «ویرانه‌های خانه‌های ویران»، به تصویر کشیدن رنج و درد انسان‌ها در اثر جنگ می‌پردازد. حدّاد نشان می‌دهد که چگونه جنگ می‌تواند زندگی‌های بی‌شماری را تحت تأثیر قرار دهد و امید و رؤیاهای کودکان را نابود کند.

احمد شاملو

در میدان‌های خونین / صدای گریه‌های مادران / در باد محو می‌شود / و جوانان با امیدهای شکسته / در زیر آوارها دفن می‌شوند / جنگ، چه ویرانی‌ها که به بار نمی‌آورد / و انسان، تنها قربانی بی‌پایان این جنون است. (شاملو، ۱۳۷۹: ۲۶۵)

در این شعر، احمد شاملو به وضوح به پیامدهای ویرانگر جنگ بر جامعه و انسان‌ها اشاره می‌کند. او با استفاده از تصاویری مانند «گریه‌های مادران» و «جوانان با امیدهای شکسته»، به تصویر کشیدن رنج و درد انسان‌ها در اثر جنگ می‌پردازد. شاملو نشان می‌دهد که چگونه جنگ می‌تواند زندگی‌ها را ویران کند و انسان‌ها را قربانی کند.

مقایسه و تطبیق

زبان و تصاویر: قاسم حدّاد از زبان استعاره‌ای و تصاویر زنده استفاده می‌کند. تصاویری مانند «اشک‌های مادران» و «ویرانه‌های خانه‌های ویران» رنج جنگ را به‌وضوح نشان می‌دهد و مخاطب را با تلخی پیامدهای آن روبه‌رو می‌کند. احمد شاملو زبانی شاعرانه و احساسی دارد. تصاویری چون «گریه‌های مادران» و «جوانان با امیدهای شکسته» بر احساسات تأکید دارند و جنگ را به‌عنوان جنونی بی‌پایان تصویر می‌کند.

مضامین و مفاهیم: قاسم حدّاد بر پیامدهای اجتماعی و انسانی جنگ تأکید دارد و جنگ را عاملی برای نابودی رویاها و امیدهای انسان‌ها، به‌ویژه کودکان، می‌داند. احمد شاملو بر جنبه‌های انسانی‌تر جنگ و ویرانی روحی و امیدهای نسل جوان تمرکز دارد. او جنگ را به‌عنوان جنونی جهانی می‌نگرد که انسان را قربانی می‌کند.

نگرش و رویکرد: قاسم حدّاد نگرشی واقع‌گرایانه و انتقادی دارد. او جنگ را با جزئیات تصویری و ملموس نقد می‌کند و بر اثرات اجتماعی و خانوادگی آن تأکید دارد. احمد شاملو نگرشی انسانی و فلسفی دارد. او جنگ را نه تنها به‌عنوان پدیده‌ای ویرانگر، بلکه به‌عنوان جنونی که ذات انسان را تخریب می‌کند، تحلیل می‌نماید.

در مجموع هر دو شاعر جنگ و خشونت را نقد می‌کنند، اما حدّاد بیشتر بر پیامدهای اجتماعی و خانوادگی تأکید دارد، درحالی‌که شاملو رویکردی انسانی‌تر و جهانی‌تر دارد و به تخریب انسانیت و امید اشاره می‌کند. زبان هر دو شاعر تصاویر قوی و تأثیرگذاری را به‌کار می‌گیرد، اما نگاه شاملو فلسفی‌تر و نگاه حدّاد واقع‌گرایانه‌تر است.

۶-۲- نقد مصرف‌گرایی و مدرنیته

۶-۲-۱- بررسی نحوه‌ی نقد مصرف‌گرایی و تأثیرات منفی مدرنیته در اشعار قاسم حدّاد و احمد شاملو

قاسم حدّاد

قاسم حدّاد؛ شاعر بحرینی معاصر، در اشعار خود به نقد مصرف‌گرایی و تأثیرات منفی مدرنیته می‌پردازد. او به ویژه در بستر اجتماعی و سیاسی کشورهای عربی، نارضایتی خود را از روندهای مدرن و تأثیرات آن‌ها بر هویت و فرهنگ ملی بیان می‌کند:

فِي زَحْمَةِ الْأَصْوَاءِ / تَنْسَى النَّفُوسُ جَوْهَرَهَا / تَحْتَ وَطْأَةِ النَّبَاهِي / تَغْرَقُ الْأَرْوَاحُ فِي بَحَارِ الْإِسْتِهْلَاكِ / وَيَتَلَاشَى الْإِنْسَانُ خَلْفَ زِينَةِ فَارِغَةٍ / تَحْتَ قَيْدِ الْمُؤَصَّصَةِ وَالْمَظَاهِرِ. (حدّاد، ۲۰۱۰: ۴۱۵)

ترجمه: در شلوغی نورها/ روح‌ها جوهر خود را فراموش می‌کنند/ تحت فشار فخر و مباهات/ روح‌ها در دریاها مصرف‌گرایی غرق می‌شوند/ و انسان پشت زینتی پوچ محو می‌شود/ زیر قید مد و ظواهر.

در این شعر، قاسم حدّاد به نقد فرهنگ مصرف‌گرایی و تأثیرات منفی مدرنیته می‌پردازد. او با استفاده از تصاویری مانند «در شلوغی نورها» و «روح‌ها در دریاها مصرف‌گرایی غرق می‌شوند»، به تصویری از جامعه‌ای که تحت تأثیر مدرنیته و مصرف‌گرایی قرار دارد، ارائه می‌دهد. حدّاد نشان می‌دهد که چگونه فرهنگ مصرف‌گرایی می‌تواند به از بین رفتن هویت و جوهر انسان‌ها منجر شود و آن‌ها را به موجودات صرفاً ظاهری و پوچ تبدیل کند.

احمد شاملو

احمد شاملو؛ شاعر ایرانی معاصر، نیز در اشعار خود به نقد مصرف‌گرایی و تأثیرات منفی مدرنیته می‌پردازد. او به بررسی تبعات اجتماعی و فرهنگی ناشی از تغییرات مدرن و تأثیر آن‌ها بر هویت فردی و اجتماعی می‌پردازد: (فلکی، ۱۳۸۰: ۱۳۷)

در این دنیای پر زرق و برق/ دل‌ها گم شده‌اند/ میان تجملات و تبلیغات/ و انسان‌ها، در پی لقمه‌ای دیگر/ پیش از آن که بفهمند، در کجا و چرا/ به فراموشی سپرده‌اند/ خویشتن واقعی خود را. (شاملو، ۱۳۷۹: ۲۷۹)

در این شعر، احمد شاملو به نقد تبعات مصرف‌گرایی و تأثیرات منفی مدرنیته می‌پردازد. او با تصاویری مانند «دل‌ها گم شده‌اند» و «میان تجملات و تبلیغات»، به تصویر کشیدن تأثیرات منفی مصرف‌گرایی و زرق و برق‌های مدرن بر هویت و وجود انسان‌ها می‌پردازد. شاملو نشان می‌دهد که چگونه تلاش برای به دست آوردن چیزهای مادی و دنیوی می‌تواند به فراموشی هویت واقعی انسان‌ها و از دست دادن خودشناسی منجر شود.

مقایسه و تطبیق

زبان و تصاویر: قاسم حدّاد از زبان استعاری و تصاویری انتزاعی بهره می‌گیرد. عباراتی مانند «در شلوغی نورها» و «روح‌ها در دریا‌های مصرف‌گرایی غرق می‌شوند» تأثیری بصری و درونی ایجاد می‌کنند و توجه را به زوال ارزش‌های انسانی جلب می‌کنند. احمد شاملو زبانی روان‌تر و ملموس‌تر دارد. تصاویری مانند «دل‌ها گم شده‌اند» و «میان تجملات و تبلیغات» حس سردرگمی و گم‌گشتگی در دنیای مادی را به‌طور مستقیم منتقل می‌کند.

مضامین و مفاهیم: قاسم حدّاد بر تأثیرات منفی مصرف‌گرایی بر هویت و فرهنگ اجتماعی تأکید دارد و مدرنیته را به‌عنوان عامل اصلی نابودی جوهر انسانی و اصالت وجودی معرفی می‌کند. احمد شاملو بر گم‌گشتگی فردی و اجتماعی ناشی از مصرف‌گرایی تمرکز دارد و مدرنیته را مسبب از دست دادن خویشتن واقعی و خودشناسی انسان می‌داند.

نگرش و رویکرد: قاسم حدّاد با نگاهی انتقادی و اجتماعی، بر تأثیرات مدرنیته بر جوامع عربی تمرکز دارد و هشدار می‌دهد که مصرف‌گرایی می‌تواند هویت ملی و فرهنگی را تخریب کند. احمد شاملو رویکردی فلسفی و انسان‌محور دارد و بر زوال انسانیت در میان مادی‌گرایی و زرق‌وبرق‌های مدرن تأکید می‌کند.

در مجموع هر دو شاعر مصرف‌گرایی و مدرنیته را نقد می‌کنند، اما با رویکردهایی متفاوت حدّاد بر تأثیرات اجتماعی و فرهنگی و شاملو بر پیامدهای فردی و فلسفی تمرکز دارد. زبان و تصاویر حدّاد نمادین‌تر و استعاری‌تر است، درحالی‌که شاملو زبانی ساده‌تر و تصاویر ملموس‌تری به کار می‌برد. هر دو نگرانی خود را از فراموشی ارزش‌های انسانی و هویت واقعی در دنیای مدرن به شیوه‌ای خاص بیان می‌کنند.

۲-۶-۲- تحلیل اشعار مرتبط با تغییرات اجتماعی و فرهنگی ناشی از مدرنیته

مدرنیته به عنوان یک پدیده‌ی پیچیده و چند بعدی، تغییرات عمیقی را در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی به همراه داشته است. شاعران معاصر با استفاده از زبان شاعرانه و نمادین، به نقد و تحلیل این تغییرات پرداخته و تأثیرات آن را بر هویت و ساختارهای اجتماعی بررسی کرده‌اند. (Berman, ۱۹۸۲: ۷۶) در اینجا به تحلیل اشعار قاسم حدّاد و احمد شاملو در رابطه با تغییرات اجتماعی و فرهنگی ناشی از مدرنیته خواهیم پرداخت.

قاسم حدّاد

قاسم حدّاد؛ شاعر بحرینی، در اشعار خود به نقد تغییرات اجتماعی و فرهنگی ناشی از مدرنیته می‌پردازد و به تأثیرات منفی این تغییرات بر هویت و ارزش‌های فرهنگی جوامع عربی اشاره می‌کند:

فِي عَصْرِ السَّرْعَةِ وَالصَّجِيحِ، / تَذُوبُ الْقَيْمِ فِي مَهَبِّ الرِّيحِ، / وَيُسْتَبَدُّ التُّرَاثُ بِرِفَاهِيَةِ زَائِفَةٍ. / تَبَحُّ الْأَزْوَاحُ عَنْ مَعَانٍ ضَائِعَةٍ / بَيْنَ زَحَامِ الشَّاشَاتِ، / وَفِي صَجِيحِ الْمُدُنِ الْحَدِيثَةِ. (حدّاد، ۲۰۰۶: ۲۹۹)

ترجمه: در عصر سرعت و هیاهو/ ارزش‌ها در تندباد ناپدید می‌شود/ و میراث با رفاهی ساختگی جایگزین می‌شود/ روح‌ها در جستجوی معانی گم شده‌اند/ در میان شلوغی صفحه‌نمایش‌ها/ و در سر و صدای شهرهای مدرن. در این شعر، قاسم حدّاد به وضوح به تأثیرات منفی مدرنیته بر ارزش‌ها و فرهنگ سنتی اشاره می‌کند. او با تصاویری مانند «سرعت و هیاهو» و «رفاهی ساختگی»، به تحلیل تغییرات اجتماعی و فرهنگی پرداخته و نشان می‌دهد که چگونه مدرنیته می‌تواند به فراموشی ارزش‌های فرهنگی و سنتی منجر شود. شلوغی و تلاطم مدرن باعث شده که معانی واقعی و اصیل در میان زندگی‌های پرهیاهو و مصرف‌گرایانه ناپدید شوند.

احمد شاملو

احمد شاملو، شاعر ایرانی معاصر، نیز در اشعار خود به بررسی تغییرات اجتماعی و فرهنگی ناشی از مدرنیته می‌پردازد. او به نقد تأثیرات منفی این تغییرات بر هویت فردی و اجتماعی و بحران‌های فرهنگی ناشی از آن می‌پردازد: (قدیمیاری، ۱۳۹۲: ۲۵۱)

در این دنیای مدرن/ که با درخشش‌های فریبده پر شده است/ روح‌ها در پی یافتی جدید/ در میان حجم انبوهی از کاذب‌ها/ گم شده‌اند/ و هویت‌های دیرین به فراموشی سپرده شده‌اند/ در موج‌های بی‌پایان مدرنیته. (شاملو، ۱۳۷۱: ۸۸)

در این شعر، شاملو به نقد تغییرات فرهنگی و اجتماعی ناشی از مدرنیته می‌پردازد. او با تصاویری مانند «درخشش‌های فریبده» و «گم شدن روح‌ها»، تأثیرات منفی مدرنیته بر هویت و فرهنگ انسان‌ها را نشان می‌دهد. شاملو بیان می‌کند که چگونه در دنیای مدرن، ارزش‌ها و هویت‌های دیرین به فراموشی سپرده شده‌اند و انسان‌ها در میان توهمات و زرق و برق‌های مدرنیته گم شده‌اند. این تغییرات باعث بحران هویتی و فرهنگی شده و انسان‌ها را از معنای واقعی زندگی دور کرده است.

مقایسه و تطبیق

زبان و تصاویر: قاسم حدّاد از زبان نمادین و استعاری برای به تصویر کشیدن تأثیرات مدرنیته بر فرهنگ و ارزش‌ها استفاده می‌کند. تصاویری مانند «سرعت و هیاهو» و «رفاهیت ساختگی» نشان‌دهنده تأثیرات منفی مدرنیته بر ارزش‌های فرهنگی است. احمد شاملو نیز از زبان شاعرانه و تصاویری قوی برای نقد مدرنیته بهره می‌برد. تصاویری مانند «درخشش‌های فریبده» و «گم شدن روح‌ها» به وضوح تأثیرات منفی تغییرات مدرن بر هویت و فرهنگ را نشان می‌دهد.

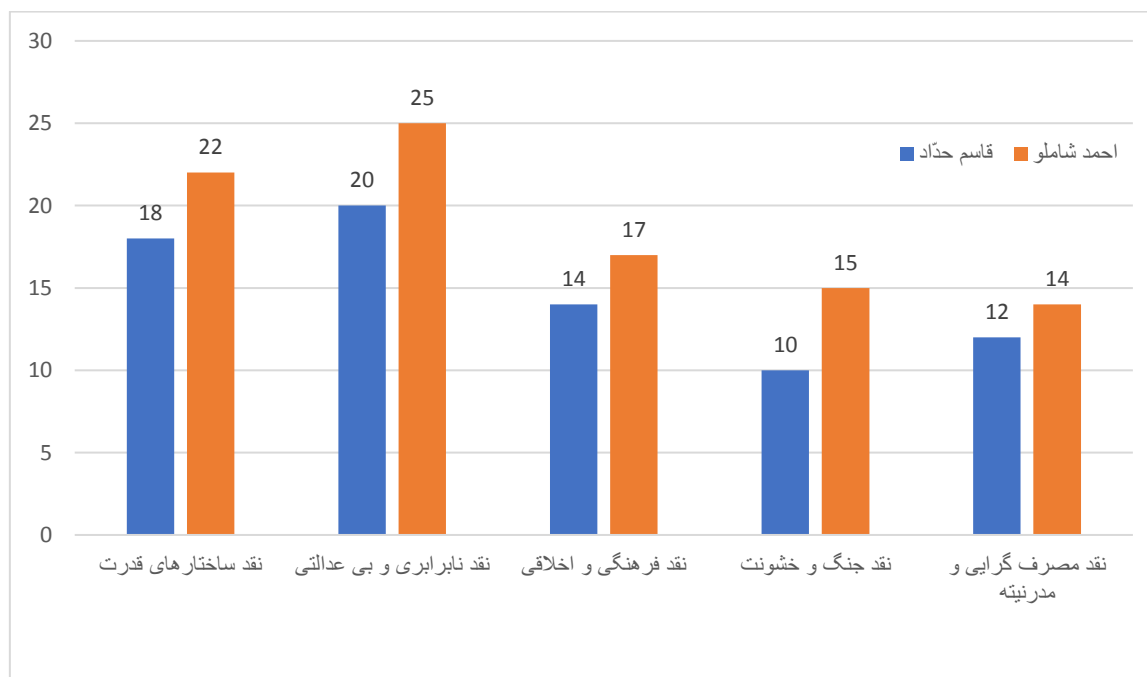
مضامین و مفاهیم: در اشعار قاسم حدّاد، مضامینی مانند فراموشی ارزش‌های فرهنگی، تأثیرات منفی مدرنیته، و بحران هویتی به وضوح مشاهده می‌شود. او نشان می‌دهد که چگونه مدرنیته می‌تواند به از بین رفتن ارزش‌های فرهنگی و سنتی منجر شود. در اشعار احمد شاملو، مضامینی مانند بحران هویتی، تأثیرات منفی زرق و برق‌های مدرن، و فراموشی هویت‌های دیرین برجسته است. شاملو تأکید می‌کند که چگونه مدرنیته می‌تواند به بحران‌های فرهنگی و از دست دادن معنای واقعی زندگی منجر شود.

نگرش و رویکرد: قاسم حدّاد با استفاده از زبان نمادین و استعاری، به نقد تغییرات اجتماعی و فرهنگی ناشی از مدرنیته پرداخته و بر تأثیرات منفی این روندها بر هویت و ارزش‌های فرهنگی تأکید دارد. احمد شاملو با استفاده از زبان شاعرانه و تصاویر زنده، به بررسی تأثیرات مدرنیته بر هویت فردی و اجتماعی پرداخته و بر بحران‌های فرهنگی ناشی از این تغییرات تأکید می‌کند.

در مجموع قاسم حدّاد و احمد شاملو هر دو با استفاده از زبان و تصاویر شاعرانه، به تحلیل تغییرات اجتماعی و فرهنگی ناشی از مدرنیته پرداخته‌اند. اشعار آنان نشان‌دهنده‌ی تعهد به مسائل فرهنگی و اجتماعی و تلاش برای به تصویر کشیدن تأثیرات منفی مدرنیته بر هویت و ارزش‌های فرهنگی است. هر دو شاعر با آثار خود به بررسی بحران‌های فرهنگی و هویتی ناشی از تغییرات مدرن پرداخته و از شعر به عنوان ابزاری برای بیان اعتراض و نقد اجتماعی استفاده کرده‌اند.

جدول شماره ۱) مقایسه‌ی بسامد مولفه‌های نقد اجتماعی در اشعار قاسم حدّاد و احمد شاملو

ردیف	مصادیق نقد اجتماعی	قاسم حدّاد	احمد شاملو
۱	نقد ساختارهای قدرت	۱۸	۲۲
۲	نقد نابرابری و بی‌عدالتی	۲۰	۲۵
۳	نقد فرهنگی و اخلاقی	۱۴	۱۷
۴	نقد جنگ و خشونت	۱۰	۱۵
۵	نقد مصرف‌گرایی و مدرنیته	۱۲	۱۴
۶	جمع کل	۸۲	۱۰۴



نمودار شماره ۱) مقایسه‌ی بسامد مصادیق نقد اجتماعی در اشعار قاسم حدّاد و احمد شاملو

در نمودار بالا، بسامد مولفه‌های مختلف نقد اجتماعی در اشعار قاسم حدّاد و احمد شاملو نمایش داده شده است. این مولفه‌ها شامل نقد ساختارهای قدرت، نابرابری و بی‌عدالتی، فرهنگی و اخلاقی، جنگ و خشونت، مصرف‌گرایی و مدرنیته هستند.

۳- نتیجه گیری

بررسی تطبیقی نقد اجتماعی در شعر معاصر عربی و فارسی از خلال آثار قاسم حدّاد و احمد شاملو نشان داد که شعر، در هر دو بستر فرهنگی، نه تنها ابزار بیان احساسات فردی، بلکه رسانه‌ای قدرتمند برای بازتاب واقعیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بوده است. این مطالعه نشان داد که اگرچه این دو شاعر در دو فضای متفاوت جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی زیست کرده‌اند، اما رویکرد آنان به مسائل اجتماعی دارای اشتراکات قابل توجهی است؛ اشتراکاتی که ریشه در تجربه‌ی مشترک انسان معاصر از ستم، بی‌عدالتی، جنگ، خشونت، بحران هویت و فرسایش ارزش‌های اخلاقی دارد. یافته‌های این پژوهش بر اساس تحلیل محتوای اشعار نشان داد که در میان مؤلفه‌های نقد اجتماعی، بیشترین بسامد در شعر هر دو شاعر مربوط به نقد نابرابری، بی‌عدالتی و ساختارهای قدرت است. قاسم حدّاد با زبانی صریح، استعاری و مبتنی بر تصاویر بومی و طبیعی، به افشای ستم سیاسی و اجتماعی می‌پردازد و شعر را به ابزاری برای مقاومت، پایداری و امید تبدیل می‌کند. در مقابل، احمد شاملو با بهره‌گیری از زبانی نمادین، انسانی و چندلایه، نقد اجتماعی را از مسیر مفاهیمی چون عشق، آزادی، انسانیت و روشنایی پیش می‌برد و به بازنمایی دردهای جمعی از طریق بیانی شاعرانه و جهان‌شمول می‌پردازد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که هر دو شاعر، علاوه بر نقد ساختارهای سلطه، به موضوعاتی مثل فقر، تبعیض، فساد اخلاقی، جنگ و مدرنیته نیز توجه ویژه داشته‌اند. حدّاد بیشتر بر تجربه‌ی زیسته‌ی جامعه‌ی عربی و چالش‌های سیاسی-اجتماعی آن تأکید دارد؛ درحالی‌که شاملو با نگاهی کل‌نگر، مفاهیم انسانی و جهانی را محور نقد خود قرار می‌دهد. با وجود این تفاوت‌ها، هر دو شاعر در رسالت اجتماعی شعر اتفاق نظر دارند و آن را همچون سلاحی برای بیدارسازی جامعه و به چالش کشیدن نیروهای سرکوب‌گر به کار می‌گیرند. در نهایت، می‌توان گفت که نقد اجتماعی در اشعار قاسم حدّاد و احمد شاملو، صرفاً بازتاب بحران‌های زمانه‌ی آنان نیست، بلکه شیوه‌ای از کنش‌گری ادبی و فرهنگی است که توانسته مرزهای جغرافیایی را درنوردد و به گفتمانی مشترک در قلمرو شعر معاصر تبدیل شود. این پژوهش نشان داد که چگونه شعر، در دو فرهنگ متفاوت اما با دردها و آرمان‌هایی مشترک، می‌تواند نیرویی برای مقاومت، امید و تحوّل اجتماعی باشد. نتایج این مطالعه می‌تواند زمینه‌ساز پژوهش‌های گسترده‌تر در حوزه‌ی ادبیات تطبیقی، نقد اجتماعی و روابط فرهنگی میان جهان عرب و ایران قرار گیرد.

منابع و روش‌شناسی

الف) منابع فارسی

- احمدی، بابک. (۱۳۷۳). ساختار و هرمنوتیک. تهران: نشر مرکز.
- براهنی، رضا. (۱۳۷۶). طلا در مس: بررسی انتقادی ادبیات معاصر. تهران: انتشارات نگاه.
- پاینده، حسین. (۱۳۹۰). شعر نو ایران: از نیما تا شاملو. تهران: انتشارات نیلوفر.
- پورنامداریان، تقی. (۱۳۸۴). در کوچه‌ساز شب: تحلیلی بر شعر شاملو. تهران: نشر سخن.
- زرشناس، شهریار. (۱۳۸۱). تاریخ اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی در غرب. تهران: انتشارات سمت.
- شاملو، احمد. (۱۳۷۳). هوای تازه. تهران: انتشارات نگاه.
- _____ (۱۳۷۵). دایره المعارف کوچک بی پایان. تهران: نشر نگاه.
- _____ (۱۳۷۹). مجموعه آثار احمد شاملو. تهران: انتشارات نگاه.
- _____ (۱۳۸۴). ترانه‌های کوچک غربت. تهران: انتشارات نگاه.
- _____ (۱۳۹۶). مرثیه‌های خاک. تهران: انتشارات نگاه.
- قدمیاری، مجید. (۱۳۹۲). شعری که زندگی‌ست: زندگی، نقد و تحلیل اشعار احمد شاملو. تهران: نشر سخن.
- کادن، جان. (۱۳۸۱). نقد ادبی و نظریه اجتماعی. ترجمه‌ی حسن پستا. تهران: انتشارات نیلوفر.
- گلدمن، لوسین. (۱۳۷۸). نقد جامعه‌شناختی و ادبیات. ترجمه‌ی محمد قائد. تهران: نشر مرکز.
- فلکی، محمود. (۱۳۸۰). نگاهی به شعر شاملو. تهران: انتشارات مروارید.

ب) منابع عربی

- حدّاد، قاسم. (۱۹۹۷م). لیس هذا الشكل ولا یشکل آخر. الكويت: الطبعة الأولى دار المرطاس.
- _____ (۱۹۸۰م). قلب الحب. بیروت: الطبعة الأولى دار النهضة الدیبة.
- _____ (۲۰۰۶م). قاسم حدّاد: دیوان الشعر. بیروت: دار العودة.
- _____ (۲۰۱۰م). الأعمال الشعرية الكاملة. بیروت: دار الساقی.
- _____ (۲۰۱۴م). ورشة لبناء الذات. بیروت: دار الفارابی.
- شوکری، محمد. (۲۰۱۳م). حركة الشعر الحديث في الخليج الفارسي. بیروت: دار الفارابی.
- عبّاس، جابر. (۲۰۱۲م). الحرّية في الشعر العربي الحديث. بغداد: دار الحكمة.
- عبدالله العروي. (۱۹۷۳). الإيديولوجيا العربية المعاصرة. بیروت: دار الطليعة.
- علي حرب. (۱۹۹۷). نقد النص. بیروت: المركز الثقافي العربي.

ج) منابع لاتین

- Berman, Marshall. (1982). *All That Is Solid Melts Into Air: The Experience of Modernity*. New York: Simon and Schuster.
- Said, Edward W. (1978). *Orientalism*. New York: Pantheon Books.
- Eagleton, Terry. (1976). *Criticism and Ideology: A Study in Marxist Literary Theory*. London: Verso.